

نامه‌های رسیده

به نام خدا

سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

سلام علیکم

احتراماً فرزند اینجانب در مدرسه راهنمایی علامه حلی شهرستان اراک به تحصیل اشتغال دارد. امتحانات یکی از نگرانی‌ها و دل مشغولی‌های اولیا و دانش‌آموزان است، بنابراین شایسته است با برنامه‌ریزی اصولی و تمهیدات لازم از شدت این نگرانی‌ها کاسته شود تا دانش‌آموزان با آرامش خاطر برای حضور در جلسه امتحان خود را آماده نمایند. چنانچه کلاس‌ها در طول امتحانات تعطیل گردد و دانش‌آموزان نگران حضور در کلاس و انجام تکالیف و نباشند، صرفاً توان خود را صرف امتحان خواهند نمود. مدرسه راهنمایی دخترانه سمپاد که در مجاورت مدرسه راهنمایی علامه حلی است از این نعمت برخوردار بود اما دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی پسرانه از این موهبت محروم گردیدند. این برخورد دوگانه مصداق ضرب المثل یک بام و دو هوا، چگونه قابل توجیه است. به علت عدم تعطیل مدرسه در طول امتحانات، بالطبع مدت امتحانات طولانی شده و طبیعی است که دبیران محترم نیز به تدریس ادامه داده و تکلیف و پرسش از دانش‌آموزان بخواهند. بنابراین اضطراب و نگرانی‌ها نیز دو چندان می‌شود و همه این عوامل در نتیجه امتحانات، تأثیر سوئی خواهد داشت. پیشنهاد می‌گردد در برنامه‌ریزی‌ها هماهنگی‌های بیشتری مبذول گردد و مدارس در شرایط مساوی شاهد تبعیض نگردند.

با احترام مهدی یزدی

سمپاد: قبل از اینکه مراکز در سازمان استانها «تجمع» شوند، مراکز سمپاد تابع ضوابط کلی آموزش

و پرورش بودند، اکنون که این «تجمع» صورت گرفته است قطعاً مدیر مرکز ما باید تابع مقررات آموزشی عمومی از نظر تعطیلی یا عدم تعطیلی کلاسها هم باشد. بهر حال یکی از دو مدیر ما در اراک تخلف کرده است، نیز ضمن احترام به دیدگاه جنابعالی، ضرورت دارد اعلام کنیم مدیران ما باید «التزام عملی» به بخشنامه‌های عمومی وزارت متبوع را داشته باشند.

به نام خدا

رئیس محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان!

با عرض سلام و خسته نباشید

در ابتدا می‌خواستم از شما به دلیل کمک‌هایی که در طی سال‌های اخیر به مدرسه ما کردید تشکر کنم. غرض از مزاحمت این بود که من می‌خواستم موضوعی را با شما در میان بگذارم. آقای اژه‌ای تمام خوانندگان این مجله‌ها می‌دانند که در مدرسه‌هایی درس می‌خوانند که برای شکوفاشدن استعداد‌هایشان به وجود آمده است. مراکزی که در سراسر کشور تنها تعداد اندکی وجود دارند و درس خواندن در آنها برای هر دانش‌آموزی افتخار است. اما چه درس خواندن؟! موضوع مهمی که باعث شد تا من اینطور وقت شما را بگیرم این است که من از این طور دانش‌آموز سمپادی بودن بدم می‌آید. یعنی اکثریت اینطور هستند. آقای اژه‌ای اگر با استعداد بودن به این است که پنج شش تا کتاب تکمیلی را چاپ کنیم و یا اینکه به خاطر سختی مسئله‌ها، نه فقط دیگران بلکه خودمان هم نتوانیم آن‌ها را حل کنیم، همان بهتر است که این مدارس منحل شود. ما از اینکه استعداد‌های درخشان هستیم فقط سنگینی حجم کتابها را داریم. برای اینکه استعداد‌های ما شکوفا بشود، این کتابها لازم نیست، وسایل لازم است، آزادی عمل لازم است. چند نفر مشوق لازم است. که هیچ کدام را ما نداریم. مرکز ما به لطف خدا، امکانات آزمایشگاهی که ندارد؛ تا می‌خواهیم یک آزمایش خارج از کلاس هم بکنیم معلمان دعوایمان می‌کنند. در ضمن برای ابتکار عمل در مواردی هم هیچ کدام از معلمان مربوطه توجهی نمی‌کنند.

به هر حال من نمی‌دانم بچه‌ها با کدام انگیزه در این مراکز تحصیل می‌کنند، شاید به خاطر افتخار کردن به نام آنها یا همان انگیزه‌ای که ما را نگه داشته است یعنی دوستان و یا همین کتابها و...

مسئله بعدی در مورد مجله‌هاست. آقای اژه‌ای این مجله‌ها آنقدر خشک و بی‌رنگ و لعاب هستند که آدم رغبت به خواندن آنها نمی‌کند به طوری که در مدرسه ما مسئول کتابخانه به زور این مجله‌ها را به

ما می‌دهند، که صد البته کاغذ آنها صرف خواندن نمی‌شود، بلکه صرف پیچیدن به دور ساندویچ و چیزهای دیگر می‌شود. و اما در آخر می‌خواستم کمی از فرار مغزها بگویم.

آقای اژه‌ای رئیس محترم، من نمی‌خواهم خدای نکرده شما و امثال شما را مورد سرزنش قرار دهم اما خوب در حد انتقاد می‌خواهم کمی حرف بزنم.

به نظر من فرار مغزها به این دلیل است که به استعداد و علم و دانش محصلان توجه نمی‌شود و یا به اصطلاح بهتر احترام گذاشته نمی‌شود.

فرار مغزها به این دلیل است که دانش آموزان این مدارس ناامید هستند. ناامید از اینکه چگونه کاری را بکنند بدون اینکه مدرسه‌ای که در آن درس می‌خوانند یک پشتوانه حتی در حد یک تشویق خشک و خالی برای آنها داشته باشد.

دانشگاهها حرفهای دانش آموزان نخبه را که در جشنواره خوارزمی برنده شده‌اند را هم قبول ندارند و به وسایلی که آنها ساخته‌اند شک می‌کنند، پس این دانش آموزان به چه چیز این مملکت تکیه کنند؟

آقای محترم! شما، بله شما هستید که باید به فکر باشید، فرار از همین موقع درس خواندن شروع می‌شود. شما باید که باید برای نخبگان، بستر سازی کنید بستی برای رشد و شکوفایی استعدادها. به هر حال به نظر من بهتر است هوای دانش آموزان خوب خود را داشته باشید.

با تشکر از شما، الناز امانزاده
مرکز فرزنانگان اردبیل

سمپاد: خانم امانزاده متوجه نشدید اگر آزمایشگاه در زمان کلاس قابل استفاده نیست چطور می‌خواهید خارج از کلاس «هم» از آن استفاده کنید، در مورد مجله هم باید بگوئیم مشکل مجله استعدادهای درخشان تنوع مخاطبین آن است. آموزش و پرورش برای هر مقطع رشد کودک، نوجوان، جوان و ... و جهت اولیا و دبیران هم ویژه نامه‌های خاص دارد. با وجود این، همین گلایه‌ها پابرجاست، ولی این مجله برای مخاطبینی که ۵۴۳ بار کمتر از مخاطبین مجلات رشد هستند تهیه می‌شود. و عزیزان ما، اولیا آنها، مدیران و دبیران مراکز هم در آن سهیم هستند. وقتی سمپادی سابق و دانشجوی کنونی برای ما می‌نویسد من اکنون قسمتهای ناخوانده قبلی مجلات را با ولع می‌خوانم، نشان می‌دهد که عزیزان ما در طول تحصیل هم یکسان به قسمتهای مختلف مجله توجه ندارند. با مدیرتان صحبت شد، معلوم شد در شهر شما هیچ گونه ساندویچی در مجله استعدادهای درخشان نمی‌پيچند. ما هوای دانش آموزان عزیز را داریم، لذا قرار شد برخی از عزیزانمان را که از رؤیت مجله افسرده می‌شوند دیگر آزرده و افسرده نسازند.

«به نام مهربانترین مهربانان»

سلام بابای مهربون ما، حالت چطوره؟ آگه جویای حال ما هستی باید بگم که خیلی بده، بخصوص از وقتی که فهمیدم که خانواده خوب و صمیمی ما از هم پاشیده! وقتی حرفهای قشنگ تو این مجله‌ها خوندم و دیدم که چقدر عاشقانه و صادقانه دوست داری سمپاد را حفظ کنی دلم شکست، دوست داشتم داد بزنم و بگم:

«آهای! اونایی که می‌خواهین خانواده دوست داشتنی ما را ازمون جداکنید و خونه‌های قشنگ امیدها و آرزوهایمون را ویران کنید، آهای اونایی که با خودخواهی‌ها و خودبینی‌هاتون دل بابا سمپاد مهربون ما را شکستین خوب گوش کنید:

«ما دیگه نمی‌زاریم سمپاد عزیزمارو، سمپادی که برای به دست آوردنش شب تا صبح زحمت کشیدیم از بین ببرین، سمپادی که دفتر خاطرات دوران شیرین کودکی و نوجوانی ما هست، سمپادی که خیلی خیلی دوستش داریم، آهای شماها خوب نگاه کنین، یه جای این سرزمین یه بابا سمپادی هست که حرفای بچه‌هاشو خوب گوش می‌ده، همشون را دوست داره و برای اینکه براهمیشه کنارهم بمونن خیلی خیلی زحمت می‌کشه.» ما همین جا بهش قول می‌دیم:

بابا سمپاد! آنقدر درس می‌خونیم تا با کمک اون که اون بالا، بالاتر از همه این آدم‌ها که می‌خوان خانواده‌مون را بهم بزنن، نشسته، یه روزی همه مدال‌های المپیاد و رتبه‌های عالی علمی را توی دستامون بگیریم و شما با غرور سر تو بلند کنی فریاد بزنی «اینجا بچه‌های من» اونوقته که اونایی که می‌گفتن سمپاد اشتباهه می‌فهمن کار خودشون اشتباه بوده.

بابا سمپاد مهربون، خیلی خیلی دوست داریم و نمی‌زاریم از پیش ما بری!

عطیه اکبری

سال اول دبیرستان مرکز آموزشی فرزنانگان نیشابور

سمپاد: به لطف پروردگار در قانون «تجمع» نیز وضعیت مراکز با حفظ استقلال خود تثبیت شده است امیدواریم در وضعیت جدید امکان بیشتری برای رفع تنگنای فرزندان عزیز سمپادی بوجود آید.

بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جنابعالی و قدردانی از زحمات بیدریغ شما در پرورش

استعدادهای نهفته فرزندان این مرز و بوم. به عنوان یک مادر و فرهنگی پیشنهادی داشتم که در صورت امکان خواهشمند است اجابت فرمائید و دل مادرانی را که مشکل مرا دارند شاد نمائید.

آقای اژه‌ای ماهه‌است که مشکلی فکر مرا به خود مشغول کرده است تا اینکه تصمیم گرفتم این مشکل را با شما در میان‌گذارم با این امید که گره از مشکل مان باز شود.

قبل از اینکه در شهر ما اردبیل مدرسه‌ای با عنوان «مدرسه استعدادهای درخشان» تأسیس شود خوب می‌دانستم که در دیگر شهرها مدرسی وجود دارد که دانش‌آموزان تیزهوش در آن تحصیل می‌کنند. باشناختی که از فرزندان خود داشتم همیشه از خدا می‌خواستم که قبل از رسیدن فرزندانم به سن «مقطع راهنمایی» در شهر ما نیز مدرسه تیزهوشان دایر شود که خدای مهربان دعای بنده حقیر را اجابت کرد و درست در اولین سال تأسیس مدرسه‌فرزانگان (سال ۱۳۷۴) دختر بزرگم اول راهنمایی را در آن مدرسه آغاز کرد و به دنبال او دختر کوچکم. و بدون شک در نتیجه تحصیل در همان مدرسه بود که امسال دختر بزرگم در رشته بسیار خوبی در دانشگاه دولتی پذیرفته شد و خدا را از این بابت همیشه شاکرم.

ورود دخترانم به مدرسه تیزهوشان انگیزه‌ای شد برای تلاش هرچه بیشتر پسر که در سال ۱۳۷۵ در دوم ابتدایی تحصیل می‌کرد. او خیلی متکی به خود بود و با اعتماد به نفس کامل درس می‌خواند ولی هرگز اجازه همراهی به من را نمی‌داد. نه اینکه وضع تحصیلی‌اش نیز بسیار خوب بود، من هم اصرار زیادی به همراهی نداشتم. با این حال خیلی امیدوار بودم که پسر هم از آزمون ورودی ابتدایی به راهنمایی مدارس تیزهوشان قبول شود. خودم می‌دانم که پسر از همان دوره ابتدایی به دروس حفظ کردنی علاقه چندانی ندارد و برعکس، به دروس تفهیمی مانند ریاضیات و علوم بسیار علاقمند است حتی این مسئله را قبل از اینکه به دبستان بروم ضمن آموزشهای پیش دبستانی که با فرزندانم داشتم در مورد پسر متوجه شده بودم. همین عدم علاقه به دروس حفظی باعث شد که پسر در آزمون تیزهوشان (مقطع راهنمایی) قبول نشود. این شکست برای پسر ضربه روحی بزرگی بود و از آن به بعد دیگر آن غرور و اعتماد به نفس را ندارد، در یک جمله سرخورده شده است.

بعداً تمام امیدم به این بود که در دوره راهنمایی بتواند جبران کند. ولی وقتی که خرداد ماه سال ۸۱ کارنامه قبولی‌اش را با معدل سالانه ۱۸/۵۹ دیدم تمام امیدهایم را از دست دادم. از آن موقع این موضوع، فکر مرا به خود مشغول کرده است که وقتی کارنامه اول راهنمایی و دوم راهنمایی‌اش را نگاه می‌کنم، در دروس ریاضی، علوم، حرفه‌وفن و زبان نمره‌ای کمتر از ۱۹/۵ نمی‌بینم در حالی که در

دروس تاریخ و جغرافی و اجتماعی نمره‌ای بالاتر از ۱۶ ندارد و همین باعث افت معدل او شده است. می‌توانم بگویم نمایشگاهی از کل آزمایشات علوم تجربی و کارهای عملی مربوط به علوم و حرفه‌وفن دوره راهنمایی در خانه برای خود دارد. حتی آزمایشات و سیم‌کشی‌هایی را که معلم از آنها نخواست است با کمال علاقه در خانه انجام می‌دهد و وقتی که با معلم علوم یا ریاضی او صحبت می‌کنم از هوش سرشار او به من خبر می‌دهند در حالی که حق شرکت در آزمون تیزهوشان از او سلب شده است.

حال بنده (به نمایندگی از طرف عده کثیری از شاگردان که با آنها در ارتباط هستم) استدعا دارم در صورت امکان شرط معدل برای شرکت در آزمون ورودی دبیرستان همانندی سالهای قبل از ۷۹، ۱۸/۵ باشد. این فقط مشکل پسر من نیست. بنده که به عنوان معلم ریاضی در مدارس راهنمایی (نمونه دولتی، غیرانتفاعی، عادی) مشغول تدریس هستم این مشکل را در بین شاگردانم نیز احساس می‌کنم و به آنها قول داده‌ام که مشکل شما را با آقای اژه‌ای مطرح خواهم کرد. خدا شاهد است در مدارس، شاگردانی در پایه سوم راهنمایی داریم که با داشتن معدل بالای ۱۹ در حد یک دانش آموز خوب پنجم ابتدایی ریاضیات بلد نیستند و برعکس شاگردانی نیز داریم که با داشتن معدل کمتر از ۱۹ بسیار با استعدادند. آیا بی‌انصافی نیست که شرط معدل را در مورد آنها اعمال کنیم در حالی که آزمونهای دوم راهنمایی نهایی نبودند و دانش آموزان در دوم راهنمایی در شرایط مساوی این معدلها را کسب نکرده‌اند و معلمان سلیقه‌ای عمل کرده‌اند؟ پس شرط معدل شرط خوبی نخواهد بود که به استناد آن مرحله‌ای از گزینش انجام پذیرد.

شاید بنده از دور به مسئله نظر دارم و مشکلات کار را آنطور که باید نمی‌دانم ولی این را می‌دانم که آزمون یا مسابقه علمی آینده سازان که همه ساله بدون شرط معدل انجام می‌پذیرد نتایج واقعی بدست می‌دهد و شاگردانی رتبه‌های بالا را کسب می‌کنند که واقعاً مستحق‌اند.

در خاتمه مجدداً از شما بزرگوار عاجزانه خواهش می‌کنم حق دانش آموزانی را که شرایط پسر بنده را دارند نادیده نگیرید و فرصتی دیگر به آنها بدهید تا حقی از آنها ضایع نشود. مطمئناً این کار خداپسندانه خواهد بود. از اینکه مصدع اوقات شریفتان شدم پوزش می‌طلبم.

خواهشمند است جواب نامه را یا در مجله استعدادهای درخشان و یا به هر صورتی که صلاح می‌دانید بدهید.

با تشکر فراوان

سپید: جواب همکارمان را که نامه‌شان را امضاء هم نکرده‌اند قبلاً به صورت مکتوب داده‌ایم،

براساس پیشنهاد ایشان پس از بررسی، تصمیم گرفته شد جهت کنکور دبیرستان‌های سمپاد برای سال تحصیلی ۸۳ - ۸۲، از کلیه داوطلبانی که معدل کل آنها ۱۸/۵ ولی نمرات ریاضی و علوم آنها بیشتر از ۱۹ باشد نیز ثبت نام شود.

به نام خدا

با عرض سلام و درود خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای:

این نامه را به نمایندگی گروهی از دانش آموزان مرکز فرزندانگان ساری می نویسم. از شما از همین ابتدای نامه تقاضا دارم نامه ما را بخوانید و به آن پاسخ دهید. چون عده‌ی زیادی از دانش آموزان در انتظار پاسخ شما هستند.

مطلع شدیم سهمیه کنکور دانش آموزان دختر (رشته تجربی) به ۳۰٪ و دانش آموزان پسر به ۷۰٪ تغییر یافته است. البته از صحت این امر به خوبی مطلع هستیم و از سازمان سنجش آموزش کشور به این فاجعه پی بردیم. وقتی علت را جويا شدیم پاسخی که شنیدیم این بود «در چند کلاس داروسازی دیده شده که تعداد دختران در کلاس ۲ تا ۳ برابر تعداد پسران است. مسئولان محترم با استدلال‌های خود به این نتیجه رسیدند که صحیح نیست دختران تا نیمه‌های شب در داروخانه بسر ببرند و به همین دلیل سهمیه پسران را افزایش دادند.» برای مثال یکی از دانش آموزان مرکز ما که رتبه‌اش در حدود ۵۰۰ بود موفق به پذیرفته شدن در رشته داروسازی دانشگاه تهران نشد ولی پسری که رتبه‌اش حتی کمتر از او بود (در حدود ۷۰۰) در رشته مزبور پذیرفته شد.

حال ما از شما این سؤال را داریم که آیا به راستی شما موافق این امر هستید؟ آیا درست است که استعداد و توانایی دختران را نادیده گرفت و پسران با بی عدالتی جای آنها را در کلاس‌های درس دانشگاه پر کنند؟ آیا واقعاً در قرن بیست و یک این حرف منطقی است که «درست نیست دختری تا نیمه شب در داروخانه به خدمت به مردم مشغول باشد؟» با وجود این شرایط، مسئولان مدرسه همه به ما خرده می‌گیرند که درصد قبولی شما مورد رضایت ما نبوده است. وقتی با بی عدالتی، سهمیه پسران را نسبت به دختران به بیش از دو برابر افزایش داده‌اند آیا دیگر معیار قبول شدن ما در کنکور میزان سواد و توانایی است؟

از شما درخواست می‌کنم به این سؤال که همواره ذهن عده زیادی از دانش آموزان دختر را به خود مشغول کرده و آنان از این امر ناراحت و عصبانی هستند، پاسخ دهید.

با تشکر از توجه شما - جمعی از دانش آموزان مرکز فرزندانگان ساری

سمپاد: در حوزه پزشکی به خاطر نیاز به پزشک زن سالها امتیاز آقایان را به خانمها اختصاص می‌دادند. شانس شماست که در بخشهایی تورم بوجود آمده است. بهر حال نتوانستیم از چندوچون تصمیم دقیقاً باخبر شویم ولی آنچه مسلم است در دفترچه کنکور موارد را شفاف می‌نویسند و آنچه را هم که شما نوشته‌اید به طور ضمنی در صدهایش را تکذیب نمودند.

«بسمه تعالی»

جناب آقای دکتر اژه‌ای ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
با سلام و احترام فراوان

از اینکه نظرات دبیران محترم گروه ادبیات و زبان فارسی را در مجله شماره ۴۲ استعدادهای درخشان منعکس فرمودید - و این خود نشان دهنده علاقه و احترام شما به این ماده درسی است - بسیار متشکریم. با امید به اینکه انعکاس این نظریات بتواند گامی در جهت از میان برداشتن مشکلات موجود در تدریس ادبیات و رسیدگی به اهداف والای آموزشی این درس باشد از آن جناب محترم تقاضای لطف و عنایت بیشتری در خصوص درس ادبیات و زبان فارسی را داریم.
در ضمن نام بنده به عنوان نماینده خواهران در این گروه و تدوین کننده نظریات ایشان در مجله شماره ۴۲، صفحه ۲۴۹ به اشتباه «فرشته رحمت آبادی» نوشته شده که خواهشمندم دستور اصلاح بفرمایید. زیرا خدمتگزار شما و گروه ادبیات به نام «فرشته احمدی سلطانی» از مرکز فرزنانگان آبادان می‌باشم.

با تشکر و دعای خیر برای شما و دست‌اندرکاران شما

فرشته احمدی - مرکز فرزنانگان آبادان

